

روز کارگر: روز پرچمداری سیاست کارگری در راه تحقق شعار: "نان، آزادی، سوسیالیسم" است!

رفقای کارگر، فعالین کمونیست انقلابی!

در شرایطی که بحرانی همه جانبه حیات بورژوازی امپریالیستی را در بر گرفته است، ما شاهدیم که چگونه در مقابله با این اوضاع هر روزه صفوف گسترده تری از کارگران و زحمتکشان پا به عرصه نبرد اجتماعی مینهند. پدیداری مولفه های نوینی از رادیکالیسم انقلابی چه بلحاظ مضمونی و چه بلحاظ اشکال سازمانی در نبرد بین المللی پرولتاریا به امر چنان پارزی مبدل گردیده است که امروزه ابراز وحشت از آن ترجیح بند سخنان بسیاری از سخنگویان ارتجاع بورژوازی بین المللی است. در برابر چشم همگان نبرد سیاسی انقلابی جهت تغییر اوضاع هر دم با ابعادی گسترده تر و شعائر و اشکال سازمانی رادیکالتری به پیش صحنه زندگی اجتماعی گام مینهد. این امر در کشورهای گوناگون و بر اساس تاریخ و سنن مبارزاتی و سطح نبرد طبقاتی، در تحولات اجتماعی به اشکال مختلفی بروز علنی مییابد. اما علیرغم این تمایزات و گوناگونی های محلی، ما در شرایطی قرار داریم که میتوان گفت که امر سیاست کارگری انقلابی در حال تبدیل شدن به امر زندگی اجتماعی در عرصه بین المللی است. اگر چه برای بسیاری کسان چنین تبیینی از اوضاع بعید به نظر میرسد ولی بخوبی میتوان امر کشاکش میان سیاست بورژوازی و سیاست کارگری را در هر خیزش اجتماعی شاهد بود.

متعاقب همین اوضاع بین المللی است که ارتجاع بورژوازی در منطقه نیز با بحرانی گسترده در عرصه اقتصادی- سیاسی دست به گریبان است و بالطبع همین شرایط، ما هر روز شاهد برآمد و کشاکش نوینی میان اردوگاه کارگران و زحمتکشان و مرتجعین حاکم در منطقه میباشیم. نبرد جهت تحقق عملی شعار نان و آزادی به مانیفست زندگی روزانه میلیونها کارگر و زحمتکش مبدل گردیده است و اخبار پیرامون جنبش در هر کشوری شدیداً در سایر نبردها انعکاس یافته و از سوی میلیونها کارگر و زحمتکشی که به زندگی سیاسی گام نهاده اند مورد پیگیری و کنکاش واقع میگرددند. بورژوازی امپریالیستی در مقابله با این بحران سیاسی- اجتماعی که موجودیت و منافع آنان را مورد یورش قرار داده است سعی میکند که با علم کردن انواع و اقسام آترناتیوهای بورژوا-امپریالیستی و یا اتکا بر قوای نظامی، مبارزات جاری را به انحراف بکشاند و از برآمد نبرد انقلابی ممانعت بعمل آورده تا سیاست حفظ سیادت نظم بورژوا-امپریالیستی را پیش براند. تجدید سازمان در ارتجاع منطقه ای در هیئت تعویض میرغضب ها و در عین حال حفظ سیادت بورژوازی و تداوم نظم بورژوا-امپریالیستی مولفه های اساسی در سیاست ارتجاع امپریالیستی در مقابله با خیزش صفوف گرسنگان را تشکیل داده و میدهند.

تشدید مبارزات در منطقه دقیقاً پس از آنکه ارتجاع امپریالیستی تلاش نمود که با توسل به ارتجاعی و عقب مانده ترین آرمانهای قرون وسطانی به تحمیق مبارزات کارگران و زحمتکشان بپردازد، نشان از بی ثباتی در تامین مجدد نظم بورژوا-امپریالیستی در منطقه دارد. سیاست تاکتیکی تعویض میرغضب ها و تجدید سازمان بورژوا-امپریالیستی ارتجاع منطقه، به نظر میرسد که قادر به عقب راندن قطعی صفوف کارگران و زحمتکشان و سرکوب مطالبات آنان نگردیده است. صفوفی که تا دیروز در پرتو یک جنبش

همگانی خواهان نان بود و به تکرار شعار آزادی میپرداخت، امروز در حال سازماندهی مداوم و تعمیق نبرد برای "نان" و گسترش و تبیین نوین و رادیکال از مسئله "آزادی" است. مبارزه طبقاتی جاری علیرغم تمامی تحمیق سیاسی جریانات ارتجاعی در بستر تعمیق و باز خوانی مطالبات و درخواستهایش با شدت و ضعفهایی بر اساس تاریخ و تناسب قوای طبقاتی در کشورهای مختلف به پیش میرود. همه شواهد حاکی از آن است که آردهای خفته قهر انقلابی که از هرم آتشین نبرد کارگران و زحمتکشان سر از بالین برگرفته بود، ظاهرا با وجود تمامی تمهیدات و مسکنهای آسمانی ارتجاع بورژوازی، قصد فروختن مجدد را ندارد.

رفقای کارگر، فعالین کمونیست انقلابی!

دقیقا و بموازات این اوضاع منطقه ای، ارتجاع بورژوازی حاکم در ایران هم با انواع و اقسام بحرانهای گسترش یابنده اقتصادی و سیاسی دست به گریبان است. بحرانها و کشاکشهای سیاسی و رقابتهای عنان گسیخته ای که تقریبا بطور روزانه در درون حاکمیت تشدید میشود. همچنین و بموازات این تنشهای حکومتی تشدید رقابتهای امپریالیستی حول تجدید تقسیم و سهم خواهی در ایران به مثابه حلقه ای در منطقه نفوذ امپریالیستی، شرایط شکننده ای را هم بلحاظ اقتصادی و هم بلحاظ سیاسی-اجتماعی پدیدار گردانیده است. در مقابله با چنین شرایطی است که ارتجاع بورژوازی حاکم در جهت اثبات اینکه قادر به تامین منافع اردوگاه بورژوازی است و قادر است که سیاستهای اقتصادی سازمانها و بنگاههای بورژوا-امپریالیستی را جهت سازماندهی اقتصاد غارت و چپاول اجرا نماید، شرایط فقر و تنگدستی گسترده ای را بر زندگی کارگران و زحمتکشان مستولی گردانیده است و هر روز نیز بر ابعاد سیاست چپاول و سرکوب میافزاید. اما در واقع امر، گسترش ابعاد بحران اقتصادی-سیاسی از سوئی و تشدید سیاست اختناق و دار و سرکوب جهت کنترل اوضاع فوق از سوی دیگر، فقط و فقط شاهد مثالی جهت بی ثباتی و تزلزل در نظم بورژوائی حاکم است. این بی ثباتی حتی بخشهایی از جناح مغلوب حاکمیت را بدانجا کشانده است که در جهت حفظ حاکمیت نظم بورژوا-امپریالیستی از ضرورت "براندازی" جناح غالب سخن بگویند و در مقابله با چنین شرایطی خواهان "تغییر"، صد البته ارتجاعی و از قماش همان آلترناتیوهای بورژوا-امپریالیستی گردند و از تجدید سازماندهی در صفوف نمایندگی ارتجاع بورژوازی سخن بگویند.

بدون کوچکترین تردیدی هم اوضاع منطقه ای و هم اوضاع داخلی چه به لحاظ بحرانهای اقتصادی و چه بلحاظ سیاسی بیانگر تشدید تنشها و بی ثباتی شرایط حاکم است. دقیقا بذل توجه به این دو مولفه و شرایط ناگزیر منبعث از آن و گستردگی مبارزات اعتصابی کارگران در کنار تجارب و تاریخ مبارزاتی طبقه کارگر و چگونگی پیشرفت اوضاع مبارزاتی در صفوف متحدین جنبش کارگری است که قاعدتا بایستی پایه اساسی اتخاذ سیاست تاکتیکی و تبیین شعار جنبش کارگری-کمونیستی قرار گیرد. سیاست و تاکتیکی که باید نه فقط در خدمت برآمد جنبش کارگری بلکه در جهت پیشبرد امر متحد ساختن صفوف انقلاب باشد. این اوضاع چه به لحاظ نبرد آزادیخواهانه و چه بلحاظ نبرد کارگری در مجموع به روز کارگر امسال خصلت ویژه ای میبخشد که بایستی مورد ملاحظه جدی فعالین جنبش کارگری-کمونیستی قرار گیرد.

تبیین پراتیکی این ویژه گی برای جنبش کارگری ما چیزی به جز پرچمداری نبرد آزادیخواهانه و مجاهدت در راه برقراری دموکراسی کارگری نمیتواند باشد. اول ماه مه امسال بایستی روز پراتیک انقلابی جهت برقراری حاکمیت شوراهای کارگران و زحمتکشان به مثابه اساس دموکراسی کارگری باشد. اول ماه می امسال بایستی بیانگر پرچمداری جنبش کارگری-کمونیستی در تحقق رادیکال ترین دموکراتیسم اقتصادی-سیاسی باشد. تحقق عملی و رادیکال مطالبات روزمره کارگری، آزادی زنان و تحقق حق تعیین سرنوشت ملل و تامین مطالبات زحمتکشان شهر و روستا و تحقق گسترده ترین آزادیهای سیاسی-اجتماعی بایستی محور تبلیغاتی گسترده فعالین جنبش کارگری-کمونیستی قرار بگیرد.

رفقای کارگر، فعالین کمونیست انقلابی!

بر اساس بررسی اوضاع و شرایط اقتصادی - سیاسی و چگونگی کشاکشهای اجتماعی و نبردهای کارگری، مبارزه برای تحقق آزادی و پرچمداری آلترناتیو کارگری در مقابله با فقر و سرکوب، در پیش صحنه نبرد طبقاتی قرار گرفته است. ما وظیفه داریم که در پاسخ بدین ضرورت، آلترناتیو کارگری را در سرلوحه هر نبردی قرار دهیم. بدون تعمیق و گسترش این نبرد که تشدید مبارزه طبقاتی را در پی خواهد داشت، هیچ سخنی پیرامون گام نهادن بسوی سوسیالیسم در میان نخواهد بود.

رفقا ما وظیفه داریم نبرد برای نان را با پرچمداری نبرد آزادیخواهانه و با قرار دادن درخواست آزادی در سرلوحه هر نبرد و تشکل کارگری - انقلابی، به بستری جهت نبردی سراسری انقلابی مبدل سازیم. ما بی محابا بایستی در پیش صحنه نبردهای اجتماعی اعلام کنیم که نان را با آزادی میخوانیم.

در شرایطی که ارتجاع بورژوازی تمامی آنچه را که زندگی در خور میخوانند از ما گرفته است و فقر و سرکوب را به قانون روزمره زندگی ما مبدل کرده است تا سیاست بورژوا - امپریالیستی را جهت چپاول هستی ما تحقق بخشد، ما هم بایستی با اتخاذ سیاست کارگری پرچم نبرد آزادیخواهانه را برافرازیم. اول ماه می میتواند آستانه ی این پرچم افرازی باشد.

رفقا ما بایستی با برافرازی پرچم سیاست کارگری به تعمیق نبرد نان، آزادی به مثابه گام بسوی سوسیالیسم پردازیم. سیاست بورژوازی را فقط میبایستی با سیاستی کارگری پاسخ گفت. اگر بپذیریم که تمامی شرایط در عرصه بین المللی و منطقه ای و اوضاع داخلی حاکی از آن است که تقابل پراتیکی سیاست بورژوازی و سیاست کارگری در کشورهای گوناگون و بر اساس سطح مبارزه تاریخی - طبقاتی، در حال تبدیل شدن به امر اساسی در سازماندهی نبردهای اجتماعی میباشد. پس ناگزیر بایستی برایمان قابل فهم باشد که از موضع جنبش کارگری - کمونیستی در ایران، مراسم روز اول ماه می امسال، در هر شکل و ابعادی که برگزار گردد باید گامی عملی در اینراه باشد. گامی عملی برای تحقق شعار نان، آزادی، سوسیالیسم و برقراری حاکمیت شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان.

گرامی باد روز جهانی کارگر!

پیروز باد نبرد بین المللی طبقه کارگر!

برقرار باد حاکمیت شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!